

تعاون و کشاورزی، سال سوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۹۳

## عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت اعضای تعاونی‌های تولیدی استان تهران

حمید انصاری<sup>۱</sup>، مهران جورابلو<sup>۲\*</sup>، نصرالله پورافکاری<sup>۳</sup>، علی هاشمیان‌فر<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۲۹

### چکیده

در پژوهش پیمایشی حاضر، عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت در تعاونی‌های تولیدی (صنعتی و کشاورزی) استان تهران بررسی شده است. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته‌ای که روایی و پایایی آن قبلاً برآورد شده بود جمع‌آوری شد. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه اعضای تعاونی‌های استان تهران به تعداد ۱۶۹۶۰ عضو بوده است. از بین این تعداد، با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۴۰۰ نفر برای پاسخ به پرسش‌نامه‌ها انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که میزان مشارکت در تعاونی‌های تولیدی استان تهران، با میانگین ۴۶٪ از ۱۰۰٪، در حد پایین است. میزان مشارکت اعضا در تعاونی‌ها به ترتیب از متغیرهای سرمایه اجتماعی، باورهای مشترک، پایگاه اجتماعی، سود دریافتی از تعاونی، آگاهی از اصول تعاونی و میزان استقلال تعاونی از دولت تأثیر مثبت و معنی‌دار می‌پذیرد. همچنین اعضای زن در مقایسه با مردان مشارکت بیشتری در تعاونی دارند. در کل، متغیرهای مذکور قادرند ۴۴٪ تغییرات میزان مشارکت را تبیین کنند.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، سرمایه اجتماعی، تعاونی، باورهای مشترک، اصول تعاون

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

۲. دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

E-mail: jnurablou@yahoo.com

\* نویسنده مسئول

۳. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر

۴. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

## مقدمه

تعاونی‌ها، به عنوان یکی از دیرپاترین گروه‌های همیاری در جوامع انسانی، نقش اساسی در تأمین نیازهای مشترک و تداوم زندگی اجتماعی دارند. همکاری‌های تعاونی در جامعه مدرن نه تنها از بین نرفته است، بلکه به شکلی رسمی‌تر و منظم‌تر در اقتصاد کشورها، به ویژه کشورهای توسعه‌یافته، ایفای نقش می‌کنند؛ البته باید متذکر شد که حضور تشکل‌های تعاونی در جوامع مدرن تنها توجیه اقتصادی ندارد، بلکه این تشکل‌ها کارکردهای اجتماعی زیادی دارند. این تشکل‌ها نقش مهمی در نهادینه شدن مشارکت در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و دستیابی به توسعه پایدار و مستقل از نقش دولت‌ها بازی می‌کنند (نمازی و دیگران، ۱۳۸۵). از این رو، شرکت‌های تعاونی را می‌توان یکی از مناسب‌ترین قالب‌های مشارکت اعضا در جوامع مدرن به حساب آورد.

ویژگی‌های منحصر به فرد اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی تعاونی‌ها به آن‌ها قابلیت بیشتری برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه در مقایسه با سازمان‌های دولتی یا شرکت‌های کاملاً خصوصی می‌دهد. تعاون بزرگ‌ترین تأمین‌کننده منافع و مؤثرترین نظام مستقل از دولت و بر این باور است که افراد انسانی باید در زمینه تولید ثروت و رفع نیازهایشان مشارکت، نظارت و مراقبت داشته باشند (کرمی و آگهی، ۱۳۸۹: ۳۳). اساساً تعاونی‌ها برای اجرای برنامه‌های توسعه در کشورهای جهان سوم مناسب‌اند؛ آن‌ها با گردآوری پس‌اندازهای اندک مردم، استفاده از حمایت‌های مالی دولت و آموزش اعضا به ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی کمک می‌کنند و زمینه افزایش تولید، اشتغال پایدار و کاهش فقر را فراهم می‌سازند.

بیرچال (۱۳۷۸) در کتاب *تعاونی‌ها و اهداف توسعه هزاره سوم*<sup>۱</sup>، اذعان می‌دارد «برنامه توسعه جهانی بر اهداف توسعه هزاره سوم متمرکز است تا در نتیجه همکاری سازمان‌ها، اجتماعات محلی و دولت‌ها و با ایجاد نوآوری و تحول تا سال ۲۰۱۵ اهداف مذکور تحقق یابد، که در این بین به نقش تعاونی‌ها باید بیش از پیش توجه شود. به نظر وی، تعاونی‌های جدید

شرکت‌های توانمندی هستند که در کاهش فقر، تساوی زنان و مردان، انجام مراقبت‌های بهداشتی برای همه و مبارزه با بیماری ایدز، کارهای مشارکتی و پایداری محیط زیست نقش مهمی دارند. اما در کشور ایران آمارها حاکی از آن است که با وجود عضویت بیش از ۴۰ میلیون نفر در بخش تعاون، سهم آن در تولید ناخالص ملی از ۵/۵ درصد بالاتر نرفته و با سهم ۲۵ درصدی از اقتصاد، که در چشم اندازهای تعاون اعلام شد است، فاصله زیادی دارد (محمدی، ۱۳۹۱). چنین وضعیتی این پرسش اساسی را مطرح می‌سازد که چه مانعی بر سر راه ایفای نقش مؤثرتر بخش تعاون در اقتصاد کشور وجود دارد؟ بدون شک یکی از موانع موجود ناتوانی بخش تعاون در جلب مشارکت فعالانه مردم است. با اینکه آمار مشارکت صوری (به معنای عضویت ساده در تعاونی) بسیار بالاست، مشکل راهبردی بخش تعاون ناتوانی تعاونی‌ها در جلب مشارکت فعالانه اعضاست. این مشکل وقتی برجسته می‌شود که به این واقعیت توجه کنیم که با وجود اهتمام و توجه دولت به بخش تعاون و نیز وجود بسترهای قانونی مشارکت و وجود ظرفیت‌های بالقوه برای سرمایه‌گذاری اقتصادی، مشارکت اعضای تعاونی‌ها از سطح عضویت ساده فراتر نمی‌رود. از این رو، شناخت عوامل و ساز و کارهای مؤثر بر مشارکت فعالانه اعضای تعاونی ضروری به نظر می‌رسد.

از آنجا که در فرایند توسعه، نقش تعاونی‌های تولیدی در ایجاد اشتغال پایدار، توسعه اقتصادی، جلب مشارکت و تسهیل فرایندهای صنعتی‌سازی بسیار راهبردی است، بررسی عوامل مختلف مؤثر در میزان مشارکت اعضای تعاونی‌ها (به‌ویژه عوامل اجتماعی) ضمن دربرداشتن نتایج ارزشمند علمی، با ارائه تصویری دقیق از واقعیت اجتماعی، به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهت افزایش مشارکت در این بخش کمک خواهد نمود. بر این پایه، در مقاله حاضر عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اعضای تعاونی‌های تولیدی (صنعتی و کشاورزی) بررسی شده است. در این مقاله مشارکت فقط به معنی عضویت در تعاونی نیست بلکه فراتر از عضویت، عمق و میزان مشارکت اعضاست که مورد توجه می‌باشد.

در ادامه، با پرداختن به مفاهیم اصلی و ادبیات نظری و تجربی و سپس پیشینه تحقیق، نقش عواملی همچون سرمایه اجتماعی، باورهای مشترک، آگاهی، سود دریافتی، پایگاه اجتماعی و برخی متغیرهای زمینه‌ای بررسی شده است. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال بررسی این پرسش است که هر کدام از عوامل مطرح شده به چه میزان و با چه سازوکاری بر مشارکت اعضای تعاونی‌های تولیدی اثرگذارند؟

**تعاونی:** در اغلب تمدن‌ها و جوامع قدیمی و سنتی می‌توان اشکالی از همکاری‌های تعاونی و گروه‌های یاریگری را پیدا نمود که تا حدودی به تعاونی‌های امروزی شبیه هستند. در جامعه سنتی ایران نیز می‌توان اشکال سازمان‌یافته‌ای از همکاری‌های تعاونی به‌ویژه در روستاها را مشاهده نمود (کلباسی، ۱۳۶۸). لیکن ریشه تعاونی‌های مدرن در اندیشه‌های مخالفان سرمایه‌داری و بحران‌های ناشی از انقلاب صنعتی قرار دارد. واژه تعاون را اولین بار رابرت آون در سال ۱۸۲۱ در انتقاد از روحیه رقابت حاکم بر نظام سرمایه‌داری به کار برد. همین مقاومت‌ها در برابر سرمایه‌داری موجب شکل‌گیری اولین تعاونی در سال ۱۸۴۴ در راجدیل انگلستان شد. متعاقب آن، گونه‌های دیگر تعاونی نیز در اقصی نقاط جهان و در حیطه‌های مختلف به وجود آمدند (انصاری، ۱۳۸۲). اغلب تعاونی‌های رسمی در سراسر جهان به نوعی بر پایه ساختار تعاونی راجدیل شکل گرفته‌اند.

بیرچال (۱۳۷۸) تعاونی را اساساً سازمان عضو محور می‌داند که نوع متمایزی از سازمان با حقوق ویژه خود است. به نظر وی، در تاریخ تکامل سازمان‌های مدرن، تعاونی‌ها دست کم قدمتی معادل دیگر سازمان‌ها دارند و به لحاظ قانونی نیز تفاوتی با بقیه آن‌ها ندارند.

**مشارکت:** مشارکت از مفاهیمی است که در ادبیات جامعه‌شناسی تعریف‌های متعددی از آن ارائه شده است. در مجموع، جوهره اصلی مشارکت را فرایند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری تشکیل می‌دهد (علوی تبار، ۱۳۷۹). در واقع مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است و از سویی آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (نوذربور، ۱۳۸۰). در این تعریف، سه جزء

مهم وجود دارد: درگیر شدن، یاری دادن و مسئولیت. در ادامه، خلاصه‌ای از مهم‌ترین قالب‌های نظری موجود در زمینه مشارکت، که در این مقاله از دلالت‌های آن‌ها برای بحث مشارکت در تعاونی استفاده شده است ارائه می‌شود.

**نظریه انتخاب عقلانی:** نظریه انتخاب عقلانی<sup>۱</sup>، که به وسیله داونز و اولسون<sup>۲</sup> مطرح شد، انگیزه‌های اقتصادی، نفع شخصی و کاهش هزینه‌ها را مهم‌ترین عامل در تحلیل مشارکت‌های جمعی می‌داند. اولسن استدلال می‌کند که نفع شخصی عقلانی، فرد را وادار به تحلیل هزینه فایده مشارکت در گروه یا عمل جمعی می‌کند (راش، ۱۳۷۷).

**نظریه دانیال لرنر:** این نظریه بر تمایز جامعه سنتی و مدرن در مشارکت تأکید دارد و مشارکت همه‌جانبه را از مؤلفه‌های جامعه مدرن می‌داند. لرنر معتقد است: «سبک مشارکتی در جامعه مدرن در مقایسه با زندگی منزوی جامعه سنتی، به فراوانی مشارکت افراد بستگی دارد» (Lerner, 1964). به زعم وی، سواد، میزان شهرنشینی، دسترسی به رسانه‌های جمعی و نهایتاً ارتباطات اجتماعی در جامعه سنتی ضعیف‌تر است، در نتیجه، مشارکت اجتماعی وجود ندارد. او این متغیرها را در جامعه متجدد و جدید پیدا می‌کند و از جامعه به عنوان جامعه مشارکتی نام می‌برد.

**نظریه تعاملی:** این نظریه مشارکت را در کنش‌های متقابل افراد جستجو می‌کند. به نظر جورج هربرت مید، جامعه در اصل عبارت است از مشارکت یک شخص در زندگی با دیگری و یا دیگران. در این رویکرد، انسان اساساً موجودی اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که برای برآوردن نیازهایش ضوابط و ارزش‌های افراد پیرامون زندگی اجتماعی خویش را باید بپذیرد. به علاوه، انسان می‌خواهد که به عنوان یک انسان به وی نگریسته شود و او را در به وجود آوردن سرنوشت خود آزاد بگذارند یا لاقلاً اجازه مشارکت داشته باشد (کوزر، ۱۳۷۸). تأکید مهم نظریه تعاملی بر جامعه‌پذیری در جریان تعامل فرد با دیگران به یادگیری ارزش‌هایی همچون روحیه همکاری، عام‌گرایی و کارجمعی که پایه‌های اجتماعی تعاونی هستند، کمک می‌کند.

1. Rational Choice Theory
2. Downs & Olson

**نظریه انتقادی هابرماس:** در این نظریه، بر مفاهیمی چون آزادی، رفع سلطه، گفتگو، ارتباط و تفاهم تأکید می‌شود. هابرماس رهایی از سلطه را از طریق کنش ارتباطی میسر می‌داند که حوزه عمومی بستر آن است. این حوزه قلمرویی از زندگی اجتماعی است که افراد می‌توانند موضوعات مورد علاقه عموم را مطرح کنند (ترنر، ۱۳۸۲). حوزه عمومی بر خلاف نهادهای تحت سلطه خارجی و یا دارای روابط اقتدار درونی، از اصول مشارکت و نظارت دموکراتیک نوید می‌دهد (هولاب، ۱۳۸۶). در نظریه هابرماس، عضویت در نهادهای مدنی گام مهمی در افزایش مشارکت در زندگی اجتماعی به حساب می‌آید. از نظر وی، وجود فضای عمومی که به صورت آزادانه، تفاهمی و برابر به افراد برای مشارکت فرصت می‌دهد، در افزایش مشارکت نقش مهمی دارد. بر اساس دلالت‌های نظریه هابرماس، می‌توان تعاونی‌ها را یکی از گروه‌ها یا انجمن‌های مدرن در نظر گرفت که امکان مشارکت را به افراد می‌دهند.

**نظریه سرمایه اجتماعی:** انباشتگی سرمایه اجتماعی احتمال مشارکت را بیشتر می‌کند. از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی دارای دو جزء اساسی به نام پیوند و اعتماد است که می‌تواند شامل منابع و امکانات اجتماعی باشد (شارع‌پور، ۱۳۸۶). منظور از پیوند ارتباطات فرد با افراد، گروه‌ها و درگیری در شبکه‌های اجتماعی است. اعتماد نیز نشان از اطمینان به هنجارهای کنش در روابط دارد.

سرمایه اجتماعی شبکه نامرئی از روابط متقابل بین انسان‌ها در جامعه به وجود می‌آورد. زیباترین جلوه سرمایه اجتماعی در فعالیتهای تعاونی تجلی می‌یابد (اطهری و علی بیگی، ۱۳۸۹). اونیو و جونز (Onyeiwu & Jones, 2003) بر این باورند که کم رنگ شدن ارزش‌های تعاونی بیشتر به دلیل کاهش سرمایه اجتماعی است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی به تسهیل مشارکت اعضا در تعاونی، دریافت و ارائه اطلاعات، عضویت طولانی‌تر، پذیرش مسئولیت، نظارت، تعهد و درگیری بیشتر منجر می‌شود (کلاتتری و همکاران، ۱۳۹۰؛ ضیائی و همکاران، ۱۳۹۰).

دولت و تعاونی: به دلایل فرهنگی، در ایران میزان مشارکت در زمینه‌های رسمی و حرفه‌ای کمتر از زمینه‌های غیر رسمی مثل حیطه‌های قومی و خویشاوندی است (پیران، ۱۳۷۷). بنابراین، گرچه نمی‌توان نتیجه گرفت ایرانیان مردمی تک‌رو هستند، باید اذعان داشت که به علت وجود گسل‌های فرهنگی، جامعه ایران نتوانسته است از ظرفیت‌های فرهنگ بومی و سنتی خود در امر مشارکت در حیطه‌های عمومی، همانند حیطه‌های خصوصی، برخوردار شود. به زعم کسانی چون فرهادی (۱۳۷۳)، این عامل فرهنگی - اجتماعی زمینه شکست تعاونی‌های رسمی در مقایسه با تشکل‌های تعاونی سنتی در ایران بوده است، زیرا این ویژگی فرهنگی زمینه را برای تصدی‌گری دولتی آماده می‌کند. دخالت کارشناسی نشده دولت در بخش تعاون به تضعیف خودیاری و مشارکت مردمی در تعاونی‌ها منجر شده و شرکت‌های تعاونی را به دریافت کننده صرف اعتبارات و کمک‌های دولتی تبدیل کرده است.

### پیشینه پژوهش

انصاری (۱۳۸۱) در پژوهش موردی روی تعاونی شباهنگ شهریار، که با تکیه بر ترکیبی از روش‌های اسنادی و میدانی انجام شد، به این نتیجه رسید که مشارکت فعال اعضا از مهم‌ترین عوامل موفقیت این تعاونی است و عواملی مثل توجه به نیازهای جامعه محلی، توانایی مدیران، پویایی سازمانی و منظم و مشخص بودن فعالیت‌ها در جلب مشارکت مؤثر بودند.

ساریخانی و طه (۱۳۸۲) در بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تعاونی‌های روستایی استان کرمانشاه به این نتیجه رسیدند که مشارکت زنان در تعاونی‌ها بیشتر در زمینه‌های اقتصادی است. عواملی مثل سن، دریافت سود بیشتر، پایگاه اجتماعی، آگاهی و سرمایه‌گذاری افزون‌تر به مشارکت بیشتر زنان منجر می‌شود.

رحمانی فیروزجاه و سهرابی (۱۳۹۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که تعاونی‌ها نقش مهمی در تشکیل و تقویت سرمایه اجتماعی در بین اعضای تعاونی‌های شهری و روستایی استان

مازندران دارند. باور به اصول و ارزش‌های تعاونی موجب تقویت سرمایه اجتماعی و مشارکت بیشتر اعضا در امور تعاونی می‌شود.

جان و همکارانش (Johen et al., 2001) سه اصل سود و خدمات بهتر، آزادی عضویت و رعایت انصاف و عدالت را از اصول مهم و مؤثر در موفقیت تعاونی‌ها ارزیابی کردند. با توجه به اینکه این سه عامل از عوامل مؤثر در افزایش مشارکت افراد به حساب می‌آیند می‌توان از آن‌ها در تبیین مشارکت در تعاونی‌های تولیدی نیز سود برد.

کارلو و همکارانش (Carlo, 2000) عواملی از قبیل روحیه فردگرایی، عدم همکاری اعضا، نبود مسئولیت‌پذیری در اعضا، ناآگاهی اعضا، غفلت از اصول تعاون و غیره را از عوامل اصلی رکود و مشارکت پایین در تعاونی‌ها ذکر کرده‌اند.

بویان (Bhuyan, 2000) نیز عدم پایداری اعضا به تعاونی را مانع اصلی مشارکت توسعه تعاونی‌ها ذکر کرده است. در مطالعه‌ای دیگر، بویان (Bhuyan, 1998) پیروی از اصول اساسی تعاون را عامل اصلی در مشارکت تعاونی‌ها می‌داند.

اسکریمزور و همکاران (Scrimgeour et al., 2006) معتقدند که عوامل اصلی مؤثر بر موفقیت شرکت‌های کشاورزی در زمینه مشارکت بیشتر اعضا عبارت‌اند از: عوامل دولتی، عوامل تجاری، عوامل فنی، عوامل ادراکی و عوامل اجتماعی. در میان عوامل اجتماعی متغیرهای اصلی هنجارها و انتظارات اجتماعی، تعاملات اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی بر موفقیت و عملکرد شرکت‌های کشاورزی اثرگذار بودند.

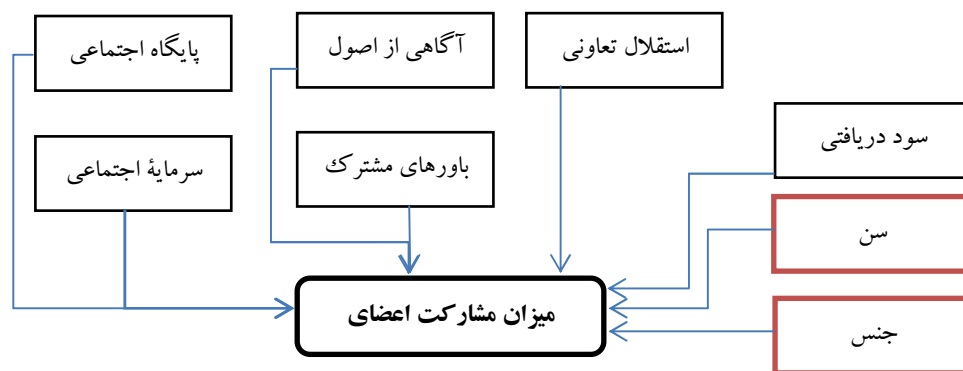
کروز و هندفیلد (Krause & Handfield, 2006) در بررسی تعیین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اثرگذار بر عملکرد شرکت‌های آمریکایی، سرمایه شناختی (آگاهی اجتماعی)، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و افزایش تعاملات اجتماعی را بر بهبود عملکرد (بهبود درآمد، کیفیت فعالیت و ارائه محصول و پیچیدگی کار) شرکت‌ها اثربخش معرفی کرده‌اند.

مطالعات تجربی با الهام گرفتن از اندیشه‌های تعاون و نظریه‌های مشارکت به صورت تجربی دریافتند که مشارکت در تعاونی‌ها به عوامل متعددی بستگی دارد. در این بین، نقش عوامل



اجتماعی انکارناپذیر است. عوامل اجتماعی، به ویژه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و وجود ارزش‌های همیارانه، به مشارکت بیشتر و در نتیجه رونق تعاونی‌ها می‌انجامد.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، مدل تصویری تحقیق حاضر به صورت زیر است:



شکل ۱. مدل تصویری روابط بین متغیرهای تحقیق

### روش تحقیق

مطالعه حاضر از نوع مطالعات مقطعی است. با توجه به ماهیت متغیرها و اهداف تحقیق، روش انتخابی تحقیق برای سنجش میزان ارتباط موجود بین متغیرهای مستقل و وابسته (مشارکت در تعاونی‌های تولیدی)، روش پیمایش است که با هدف توصیف و تبیین رابطه مذکور و تعمیم یافته‌های تحقیق اجرا شده است. واحد مشاهده و تحلیل در این تحقیق، هر یک از اعضای تعاونی‌ها هستند. ابزار گردآوری داده در این تحقیق پرسش‌نامه محقق ساخته است. برای برآورد روایی پرسش‌نامه پس از مطابقت شاخص‌ها با ادبیات نظری و شاخص‌های به کار رفته در پژوهش‌های پیشین، از نظر استادان و کارشناسان دانشگاه تهران و اصفهان و نیز دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای علوم تحقیقات، دهقان و شوشتر استفاده شد. برای برآورد پایایی نیز از آزمون آلفای کرونباخ برای هر یک از شاخص‌ها (شاخص‌هایی که از چندین گویه و عمدتاً در طیف لیکرت ساخته شده‌اند) استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق ۱۶۹۶۰ نفر است که طبق آمار دفتر تعاونی‌های تولیدی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال ۱۳۹۲، در ۸۱۰ تعاونی تولیدی

استان تهران عضویت دارند که ۴۱۵ تعاونی صنعتی و ۳۹۵ تعاونی کشاورزی فعال یا تقریباً فعال در استان تهران را شامل می شود. تعاونی‌های صنعتی ۹۱۷۰ نفر عضو دارند که ۵۴٪ جامعه را شامل می شوند. گروه تعاونی‌های تولیدی کشاورزی استان تهران در مجموع ۷۷۹۰ عضو دارند که ۴۶٪ جامعه آماری در برمی گیرند. با کاربرد فومول کوکران برای جمعیت بزرگ و در نظر گرفتن ۰/۰۵ خطای برآورد، تعداد نمونه تحقیق ۳۸۱ برآورد شد. ولی با پیش بینی احتمال ریزش بالای نمونه و پراکندگی جغرافیایی، حدود ۵ درصد به این تعداد اضافه شد. به این ترتیب، نمونه اصلی بالغ بر ۴۰۰ نفر شد.

$$n = \frac{N.t^2.p.q}{N.d^2 + t^2.p.q} = n = \frac{16960(1.96)^2.(0.5)(0.5)}{16960(0.05)^2 + (1.96)^2(0.5)(0.5)} = 381$$

که در آن،  $t$  ضریب اطمینان قابل قبول در سطح ۹۵ درصد است که برابر با ۱/۹۶ در نظر گرفته شده است.  $p$  احتمال وجود و  $q$  احتمال نبود صفت مورد نظر در جمعیت نمونه می باشد که در اینجا برابر با ۰/۵ در نظر گرفته شده است.  $d$  میزان دقت برآورد احتمالی می باشد که برابر با ۰/۰۵ در نظر گرفته شد (سرمد، ۱۳۸۸).

در نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. ابتدا به شیوه تصادفی از بین ۱۵ شهرستان استان تهران ۱۰ شهرستان (دو سوم استان) و سپس از هر شهرستان دو تعاونی انتخاب شدند. در مجموع، ۲۰ تعاونی برای نمونه‌گیری انتخاب گردیدند که ۱۰ تعاونی صنعتی و ۱۰ تعاونی کشاورزی بودند. در مرحله بعد، با رعایت منطق نمونه‌گیری متناسب با حجم هریک از تعاونی‌های انتخاب شده در هر شهرستان و رعایت سهم شهرستان در جامعه آماری، اعضای نمونه انتخاب شدند.

### تعریف متغیرهای اصلی تحقیق

#### میزان مشارکت اعضای تعاونی

در هر مشارکتی سه عنصر اصلی درگیر شدن، یاری‌دادن و مسئولیت وجود دارد (نوذرپور، ۱۳۸۰). در این تحقیق، مشارکت در تعاونی در دو بُعد ذهنی (گرایشی) و عینی (رفتاری) تعریف شده است.

بعد ذهنی (گرایشی): این بعد به روحیه مشارکتی، احساس تأثیرگذاری، آمادگی و علاقه‌مندی فرد به مشارکت توجه دارد. شاخص بعد ذهنی از ۷ گویه در طیف لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم) تشکیل شده است (جدول ۱). پاسخگویان می‌بایست میزان موافقت خود با گویه‌ها را در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای و پیوستاری از کاملاً موافقم (با کد ۵) تا کاملاً مخالفم (با کد ۱) بیان نمایند. بیشترین نمره در این شاخص ۳۵ و کمترین ۷ است (جدول ۱). میزان آلفای کرونباخ برای پایایی این شاخص ۰/۶۹ بوده است.

بعد عینی (رفتاری): به سطح مشارکت فرد، که قابل مشاهده است، ناظر می‌باشد. در این تحقیق، برای کمی‌سازی بعد رفتاری مشارکت اعضا در تعاونی، از مؤلفه‌های زیر استفاده شده است که هر چه نمره فرد در این متغیرها بالاتر باشد، حکایت از مشارکت عینی بیشتر وی در تعاونی دارد و نمره پایین‌تر نیز دلالت بر مشارکت کمتر او در تعاونی دارد. گفتنی است میزان ضریب آلفای کرونباخ برای پایایی این شاخص ۰/۸۷ بوده است:

۱. تعداد سهامی که فرد به عنوان عضوی از تعاونی مورد نظر خریداری نموده است.
  ۲. تعداد جلسات مجمع عمومی عادی و مجمع فوق‌العاده که فرد در طول دوره اخیر تعاونی شرکت کرده است.
  ۳. تعداد مسئولیت‌هایی که فرد در طول دوره اخیر پذیرفته است (به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: عضو هیئت مدیره، مدیر عامل، بازرس و سایر).
  ۴. تعداد کارهای اجرایی که در طول دوره اخیر تعاونی فرد پذیرفته است، مثل مسئول روابط عمومی.
  ۵. میزان پیشنهادهای و تذکرات و مشورت‌هایی که فرد در طول دوره اخیر تعاونی برای بهبود فرایند امور ارائه داده است.
- مجموع نمره پاسخگو در شاخص‌های ذهنی و عینی نشان‌دهنده نمره مشارکت وی در تعاونی است. گفتنی است میزان ضریب آلفای کرونباخ برای پایایی شاخص کلی مشارکت ۰/۸۲ بوده است.

## متغیرهای مستقل

**سرمایه اجتماعی:** در این تحقیق، سرمایه اجتماعی با تکیه بر مهم‌ترین مؤلفه‌های آن یعنی اعتماد و روابط اجتماعی درون تعاونی تعریف عملیاتی و سنجیده شده است. شاخص اعتماد از نشانگرهای اعتماد به مدیریت تعاونی، مقررات، تصمیم‌گیری‌ها و اعضای دیگر تشکیل شده است. روابط اجتماعی عضو با دیگر اعضای تعاونی مؤلفه دوم سرمایه اجتماعی است. شاخص سرمایه اجتماعی از ۹ گویه در طیف لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) تهیه شده است که بیشترین نمره در آن ۴۵ و کمترین ۹ است (جدول ۱). میزان ضریب آلفای کرونباخ برای پایایی این شاخص ۰/۸۳ بوده است.

**باورهای مشترک:** این متغیر نشان‌دهنده میزان اعتقاد اعضا به اصول اولیه تعاونی مثل کار گروهی، تأمین منابع لازم به صورت مشترک، باور به نظارت مشترک و باور به مدیریت جمعی است. برای سنجش این مفهوم از شاخصی در طیف لیکرت با ۵ گویه استفاده شده است (جدول). بیشترین نمره در آن ۲۵ و کمترین ۵ است. میزان ضریب آلفای کرونباخ برای پایایی این شاخص ۰/۷۵ بوده است.

**آگاهی از اصول تعاون:** اصول تعاون ماهیت و هویت آن را نسبت به شرکت‌های غیرتعاونی مشخص می‌کند. مهم‌ترین اصول تعاون عبارت‌اند از: عضویت اختیاری، کنترل دموکراتیک، پرداخت سود محدود به سرمایه، توزیع سود برگشتی در بین اعضا به نسبت معاملات، بی‌طرفی سیاسی و مذهبی، فروش نقدی محصولات، عدم قبول وکالت در رأی‌گیری مجامع عمومی و آموزش مداوم اعضا. در عملیاتی‌سازی ساختن آگاهی از اصول تعاون، بر میزان شناخت اعضا از این اصول تأکید گردید. طی جدولی از پاسخگویان خواسته شد تا ۷ مورد از اصول تعاون را نام ببرند. سپس به هر مورد یک امتیاز داده شد که حداکثر آن (۷) به معنی آگاهی بیشتر از اصول تعاون و حداقل آن (۰) به معنی آگاهی کمتر از اصول تعاون است.

استقلال تعاونی از دولت: این مفهوم به عدم وابستگی ذهنی اعضای تعاونی به دولت در تصمیم‌گیری‌های مختلف تعاونی ناظر است؛ یعنی، اعضای تعاونی چه نگرشی به دخالت یا حمایت دولت از تعاونی دارند و تا چه میزان بقای تعاونی را منوط به حمایت‌های دولت می‌دانند. برای سنجش این متغیر از شاخصی در طیف لیکرت با ۵ گویه استفاده شد که بیشترین نمره در آن ۲۵ و کمترین ۵ است (جدول ۱). میزان آلفای کرونباخ برای پایایی این شاخص ۰/۷۳ بوده است.

**میزان سود دریافتی از تعاونی:** یکی از اصول تعاون توزیع عادلانه سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی تعاونی در بین اعضای تعاونی است. برای اطلاع از میزان سود دریافتی از پاسخگویان خواسته شد سود دریافتی خود از تعاونی را در سال گذشته بر حسب تومان در پاسخ‌نامه در محل مخصوص بنویسند.

**پایگاه اجتماعی:** در این تحقیق، برای تعیین گروه‌بندی‌های پایگاه اجتماعی، از یک شاخص ترکیبی با ۴ معرف «درآمد»، «منزلت شغلی»، «ارزش منزل مسکونی»، و «تحصیلات» استفاده شد. هریک از این ۴ معرف به ۶ سطح از ابه معنی پایین‌ترین تا ۶ به معنی بالاترین سطح تقسیم شدند. سپس امتیازهای فرد در معرف‌های مذکور جمع زده شدند که این حاصل جمع مبنای طبقه‌بندی و تعریف گروه‌های پایگاه اجتماعی است. بیشترین نمره در این شاخص ۲۴ و کمترین ۴ می‌باشد. برای تقسیم نمره پایگاه به سه سطح بالا، متوسط و پایین به این ترتیب عمل شد: نمرات ۸ و زیر ۸ برای سطح پایین، نمرات ۸ تا ۱۶ برای سطح متوسط و ۱۶ به بالا برای سطح بالای پایگاه اجتماعی در نظر گرفته شدند.

## جدول ۱. گویه‌های به کار رفته در شاخص‌های تحقیق

ردیف	گویه‌ها
	بعد ذهنی مشارکت در تعاونی‌ها:
۱	علاقه‌مندم در گردهمایی‌های تعاونی مثل جلسه مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده شرکت کنم.
۲	مایل هستم مسئولیت‌هایی، مثل هیئت مدیره، مدیرعامل و یا بازرس، را بپذیریم.
۳	تمایل چندانی به پذیرش فعالیت‌های اجرایی تعاونی (مثل مسئول روابط عمومی) ندارم.
۴	این تعاونی بدون حضور من هم پیشرفت خواهد کرد.
۵	به نظارت بر فرایند مدیریت تعاونی علاقه دارم.
۶	به پیشنهاد دادن، تذکر دادن و مشاوره دادن در امور مختلف تعاونی علاقه‌مندم.
۷	معتقدم اگر من در این تعاونی حضور پیدا نکنم، بسیاری از کارها زمین می‌ماند.
	شاخص باورهای مشترک اعضای تعاونی:
۱	باید فرصتی پیش بیاید که همه اعضای تعاونی در مدیریت تعاونی تأثیر بگذارند.
۲	معتقدم که همه اعضا در مدیریت تعاونی باید حضوری فعال داشته باشند.
۳	اعتقاد دارم که همه اعضا باید در نظارت و کنترل تعاونی دخالت فعال داشته باشند.
۴	دخالت همه اعضا در کارها باعث اختلاف و انجام نشدن صحیح امور می‌شود.
۵	معتقدم سرمایه و منابع لازم برای فعالیت تعاونی باید توسط خود اعضا تأمین شود.
	شاخص سرمایه اجتماعی:
۱	به مدیریت تعاونی اعتماد دارم.
۲	اطمینان دارم که مقررات در این تعاونی رعایت می‌شود.
۳	به تصمیم‌های هیئت مدیره اطمینان ندارم.
۴	به کارکنان این تعاونی اطمینان دارم.
۵	اعتماد کردن به افراد در این تعاونی آسان نیست.
۶	من روابط صمیمانه‌ای با مدیرعامل تعاونی دارم.
۷	با اغلب کارکنان این تعاونی دوست هستم.
۸	اگر مشکلی داشته باشم به راحتی می‌توانم از کارکنان این تعاونی تقاضای کمک کنم.
۹	هیئت مدیره از مشکلات کارکنان و اعضای تعاونی اطلاع ندارد.
	شاخص استقلال تعاونی از دولت:
۱	تعاونی‌ها به حمایت و نظارت دولت وابسته هستند.
۲	روی هم رفته، تعاونی‌هایی که زیر نظر وزارت تعاون اداره می‌شوند موفق‌تر بودند.
۳	تعاونی‌های موفق از تسهیلات دولتی بیشتری استفاده کرده‌اند.
۴	تعاونی باید با برنامه‌های اقتصادی دولت هماهنگ شود.
۵	تعاونی باید از کمک‌های فنی و اعتباری وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی بهره‌مند شود.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

## نتایج و بحث

## یافته‌های توصیفی متغیرهای زمینه‌ای

۷۲ درصد نمونه تحقیق را مردان و ۲۸ درصد را زنان تشکیل دادند. میانگین سنی پاسخگویان ۴۴ سال و اکثر آن‌ها بین ۳۰ تا ۵۰ سال سن داشتند. ۵۴ درصد پاسخگویان یا ۲۱۵ نفر از آن‌ها عضو تعاونی‌هایی بودند که از نظر گرایش در گروه صنعتی دسته‌بندی شده بودند و بقیه در گروه کشاورزی قرار داشتند. از نظر پایگاه اجتماعی، ۵۷/۳٪ از پاسخگویان از پایگاه اجتماعی متوسط، ۲۸٪ از پایگاه اجتماعی بالا و ۱۲/۵٪ از پایگاه اجتماعی پایین برخوردار بودند.

## یافته‌های توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق

برای توصیف متغیرهای اصلی تحقیق از آماره میانگین و انحراف استاندارد استفاده شده است. توصیف متغیرهای اصلی تحقیق نشان می‌دهد که میزان مشارکت در کل تعاونی‌ها ۴۴ از ۹۰ است. در بین متغیرهای مذکور، باورهای مشترک با میانگین ۱۸/۲ از ۲۵ بیشترین و آگاهی از اصول تعاون با ۱۱/۶ از ۷ کمترین مقدار میانگین را دارند (جدول ۲). به طور کلی، پاسخگویان در متغیرهای باورهای مشترک، سرمایه اجتماعی و استقلال تعاونی عمدتاً در سطح بالاتر از متوسط و در متغیرهای مشارکت و ابعاد آن در سطح متوسط و در متغیر آگاهی از اصول تعاون و سود دریافتی در سطح پایین قرار دارند.

جدول ۱. توصیف آماری متغیرهای اصلی تحقیق

نام متغیر	میانگین	کمینه	بیشینه	انحراف معیار	درصد توزیع نسبی پاسخگویان	
					بالا	متوسط پایین
مشارکت در تعاونی (شاخص کلی)	۴۴	۱۷	۹۰	۱۲/۱	۱۷	۳۲
ابعاد مشارکت ذهنی (گرایشی) عینی (رفتاری)	۲۳/۴	۱۳	۳۳	۳/۸	۱۴	۲۰
سرمایه اجتماعی	۱۹	۱	۵۴	۱۰/۴	۱۷	۴۱
باورهای مشترک	۳۲	۱۱	۴۵	۶	۳۹	۶
آگاهی از اصول تعاون	۱۸/۲	۶	۲۵	۳	۴۶	۳
استقلال تعاونی از دولت	۱/۶	۰	۷	۱/۴	۵/۵	۷۳
سود دریافتی از تعاونی	۱۷/۱	۵	۲۵	۴/۲	۱۴	۲۷
	۳۹۴۰۰۰	۰	۴۰۰۰۰۰۰	۷۰۸۰۰	۶	۸۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق

## یافته‌های روابط دو متغیره

برای بررسی روابط فرض شده در سطح دو متغیره از آزمون همبستگی پیرسون دو متغیره استفاده شد که نتایج در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته

## مشارکت در تعاونی

متغیر مستقل	مقدار $r$	سطح معنی داری
سرمایه اجتماعی	۰/۳۹	۰/۰۰۰
باورهای مشترک	۰/۳۰	۰/۰۰۰
سود دریافتی	۰/۲۵	۰/۰۰۰
آگاهی از اصول تعاون	۰/۲۳	۰/۰۰۰
استقلال تعاونی	۰/۲۱	۰/۰۰۰
سن	۰/۱۰	۰/۰۵۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که مشارکت در تعاونی به ترتیب با متغیرهای سرمایه اجتماعی، باورهای مشترک اعضای تعاونی، سود دریافتی از تعاونی، آگاهی از اصول تعاونی و استقلال تعاونی از دولت همبستگی مثبت و معنی دار دارد.

آزمون تحلیل واریانس برای رابطه سطوح سه‌گانه پایگاه اجتماعی نشان داد که تفاوت مشاهده شده در بین میانگین‌های مشارکت در بین سطوح مختلف پایگاه اجتماعی معنی دار است ( $F=24/9$ ;  $P=0/000$ ). در جدول ۴ مقایسه‌های جفتی با آزمون تعقیبی توکی نشان می‌دهد که اختلاف بین سطح اعضای که از پایگاه اجتماعی بالا برخوردارند با اعضای سطح متوسط و پایین معنی دار است.



جدول ۴. مقایسه سطوح پایگاه اجتماعی با همدیگر بر اساس میزان مشارکت در تعاونی

متغیر	سطوح پایگاه	میانگین	اختلاف میانگین	خطای استاندارد	(مقدار احتمال) (p)
پایین	متوسط	۴۱	۴/۸	۱/۸	۰/۰۰۸
	بالا	۴۸/۶	۱۲/۳	۱/۹	۰/۰۰۰
مشارکت در متوسط	پایین	۳۶/۳	۴/۸	۱/۸	۰/۰۰۸
	بالا	۴۸/۶	۷/۶	۱/۳	۰/۰۰۰
تعاونی	پایین	۳۶/۳	۱۲/۳	۱/۹	۰/۰۰۰
	بالا	۴۱	۷/۶	۱/۳	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون t با دو نمونه مستقل نشان داد که تفاوت آماری معنی‌داری بین میانگین مشارکت اعضا در تعاونی برحسب جنسیت وجود دارد ( $P < 0/001$ ;  $t = 3/29$ )؛ یعنی، میزان مشارکت زنان و مردان در امور تعاونی با هم تفاوت دارد بدین صورت که زنان ( $SD = 11/70$ )؛  $M = 45/47$ ) بیشتر از مردان ( $SD = 12/16$ ;  $M = 41/13$ ) در تعاونی مشارکت می‌کنند.

### آزمون روابط چندگانه

برای بررسی روابط چندمتغیره از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان استفاده شد. نتایج آزمون رگرسیون در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵. مشخص‌کننده‌های کلی تحلیل رگرسیون

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده	خطای استاندارد	F	مقدار احتمال (p)
۰/۶۷۳	۰/۴۵۳	۰/۴۴۲	۹/۲۰۳	۴۰/۵۷۳	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مؤلفه‌های کلی آزمون رگرسیون چندگانه نشان از برازش بالای مدل دارند، بدین معنی که مجموع متغیرهای مستقل وارد شده در مدل توانسته اند تبیین مناسبی از پراکندگی مشارکت در تعاونی ارائه دهند. مقدار ضریب همبستگی چندگانه برای روابط همه متغیرهای مستقل با مشارکت بیشتر از ۶۷ است. همچنین مقدار  $F = 41$  در سطح معنی داری  $0/000$  نشان دهنده برازش بالای مدل در تبیین تغییرات متغیر وابسته است. ضریب تعیین استاندارد شده برای این مدل ۴۴ است؛ به عبارتی، متغیرهای مستقل توانسته اند ۴۴٪ از تغییرات متغیر وابسته یعنی مشارکت را تبیین نمایند.

بررسی ضریب‌های تأثیر رگرسیونی (جدول ۶) برای متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیون نشان می‌دهد که در بین متغیرهای مستقل، سرمایه اجتماعی بیشترین تأثیر مثبت و معنی‌دار را در مشارکت دارد، بدین معنی که یک واحد تغییر در شاخص سرمایه اجتماعی باعث  $0/381$  واحد تغییر در متغیر مشارکت در تعاونی می‌شود. بیشترین مقدار  $t$  نیز برای این متغیر به دست آمده که نشان دهنده اهمیت بیشتر حضور سرمایه اجتماعی در مدل و در مقایسه با متغیرهای دیگر است. ضمن اینکه مقدار  $t = 9/274$  در سطح خطای  $0/000$  معنی‌دار است. با لحاظ کردن مؤلفه‌های مذکور برای همه متغیرهای مستقل می‌توان گفت که متغیرهای سرمایه اجتماعی، پایگاه اجتماعی، میزان سود دریافتی، باورهای مشترک، میزان استقلال تعاونی از دولت، و در نهایت، جنسیت به ترتیب بیشترین سهم معنی‌دار و مثبت را در تبیین تغییرات مشارکت در تعاونی‌ها دارند.

جدول ۶. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه

مقدار احتمال (p)	t	ضرایب		مدل	
		ضرایب استاندارد شده	استاندارد نشده		
			B خطای استاندارد		
۰/۰۰۰	۴/۱۷۹	-	۶/۰۳۶	-۲۵/۲۲۴	عدد ثابت
۰/۰۰۰	۹/۲۷۴	۰/۳۸۱	۰/۰۸۳	۰/۷۷۳	سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۰	۶/۵۹۲	۰/۲۷۲	۰/۱۳۳	۰/۸۷۵	پایگاه اجتماعی
۰/۰۰۰	۴/۶۳۱	۰/۱۹۲	۰/۰۰۰	۰/۳۳۴	میزان سود دریافتی از تعاونی
۰/۰۰۰	۴/۲۸۲	۰/۱۷۸	۰/۱۷۵	۰/۷۴۸	باورهای مشترک اعضای تعاونی
۰/۰۰۰	۴/۰۹۱	۰/۱۶۵	۰/۱۲۲	۰/۴۹۹	میزان استقلال تعاونی
۰/۰۰۱	۳/۲۵۸	۰/۱۳۱	۱/۰۸۴	۳/۵۳۲	جنسیت (زن=۰ و مرد=۱)*

مأخذ: یافته‌های تحقیق

\* برای ورود جنسیت به مدل از آنجا که جنسیت متغیر اسمی است، به زنان کد صفر و مردان کد یک داده

شد تا به صورت یک متغیر کمی صوری در نظر گرفته شوند (دواس، ۱۳۸۱).

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این تحقیق مشاهده شد که مشارکت در تعاونی‌های تولیدی استان تهران (صنعتی و کشاورزی) در حد متوسط است. پایین بودن میزان مشارکت در تعاونی‌ها نکته‌ای می‌باشد که در بحث‌های صاحب نظران، آمارهای رسمی و یافته‌های پژوهش‌های متعدد اظهار شده است. مهم‌ترین یافته تحقیق حاضر تأثیر مثبت و قابل ملاحظه عوامل اجتماعی بر میزان مشارکت در تعاونی‌هاست. این یافته در پژوهش‌های قبلی نیز مشاهده شده است. آگاهی از اصول تعاونی هم با مشارکت در تعاونی همبستگی مثبت داشته که این یافته مطابق با مطالعات قبلی (همچون انصاری، ۱۳۸۱؛ هزارجریبی، ۱۳۸۶ و جان و همکاران، ۲۰۰۱) است. همچنین تأثیر مثبت استقلال تعاونی از دولت علاوه بر اینکه با اندیشه‌ها و اصول تعاون انطباق دارد، در تطابق با نتایج بسیاری

از پژوهش‌ها (برای نمونه انصاری ۱۳۸۱؛ اسکریمژور و همکاران، ۲۰۰۶) نیز هست. درکل، یافته‌های تحقیق حاضر تطابق زیادی با ادبیات تجربی موجود در زمینه مشارکت‌های تعاونی دارد. با توجه به تأثیر مثبت و تعیین‌کننده عوامل اجتماعی و به ویژه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در مشارکت در تعاونی‌های تولیدی می‌توان گفت که آن دسته از نظریه‌های مشارکت که بر نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت تأکید دارند در تبیین یافته‌های تحقیق حاضر کاربرد خواهند داشت. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی یعنی روابط و اعتماد اجتماعی در تشکیل گروه‌های انسانی، ایجاد و تداوم تعامل اجتماعی نقش اساسی دارند و زمینه مناسبی برای مشارکت فراهم می‌آورند.

در رویکرد تعاملی، وجود بستری برای شکل‌گیری گروه‌های اولیه و شبکه‌های اجتماعی، یک نیاز اساسی در افزایش مشارکت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. تعاونی‌ها بستر مناسبی برای شکل‌گیری چنین شبکه‌هایی هستند. از به هم پیوستن این شبکه‌ها جامعه مدنی شکل می‌گیرد. همان‌طور که هابرماس معتقد است آزادی ارتباط، آزادی شکل‌گیری نهادهای مدنی و وجود تفاهم، همه در سایه وجود جامعه مدنی قدرتمند میسر می‌شوند (ترنر، ۱۳۸۲)، چنین وضعیتی از نیازهای اساسی مشارکت در عصر مدرن است، زیرا نهادهای مدنی سرمایه اجتماعی برون‌گروهی را تقویت می‌کنند. هنگامی که سرمایه اجتماعی به سطوح فراگروهی و حوزه عمومی سوق نمی‌یابد و مبتنی بر خاص‌گرایی یا طایفه‌گرایی می‌ماند، پیامدهای منفی پیدا می‌کند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴). لذا این امر به قطاعی شدن جامعه و زوال مشارکت می‌انجامد و همچنین رشد تصدی‌گری دولتی نیز از پیامدهای منفی آن است.

یافته‌ها نشان دادند استقلال بیشتر از دولت به مشارکت بیشتر در تعاونی منجر می‌شود. همین یافته از دلالت‌های نظریه‌های مربوط به جامعه مدنی و تأثیر آن در مشارکت حمایت می‌کند. این امر نشان می‌دهد هر چقدر در تعاونی‌ها وابستگی به دولت کمتر حاکم باشد، در جلب مشارکت مردمی موفق‌تر خواهند بود. از این رو، رسالت دولت در قبال تعاونی‌ها می‌بایست بازتعریف و با اصول تعاون و روحیه مدنی حاکم بر آن سازگار شود.

نتایج تحقیق نشان داد که با قدرت یافتن باورهای مشترک اعضا بر مشارکت آنان نیز افزوده می شود. این باورها مربوط به اعتقادات اعضا به اصول تعاون هستند. این امر نشان می دهد هر چقدر در یک تعاونی، اصول تعاون بیشتر نهادینه و آگاهی اعضا از آن‌ها بیشتر شود، بر میزان مشارکتشان نیز افزوده می شود.

در این تحقیق، اعضای برخوردار از پایگاه اجتماعی بالاتر مشارکت بیشتری در تعاونی داشتند. پس می توان نتیجه گرفت که مؤلفه‌های پایگاه اجتماعی مثل تحصیلات، منزلت شغلی و درآمد بر افزایش مشارکت اعضا مؤثرند. اعضای که از تحصیلات بالاتری برخوردارند و مشاغل تخصصی تری دارند تعاونی را بستر مناسبی برای پیشرفت خود می دانند و علاقه‌مندند از توانایی و دانش خود در این زمینه استفاده نمایند. نکته دیگر این است که دریافت سود بیشتر به افزایش مشارکت منجر می شود. این یافته از دلالت‌های نظریه انتخاب عقلانی حمایت می کند. افراد وقتی پاداش بیشتری از مشارکت به دست آورند تمایل دارند این وضعیت را ادامه دهند.

متغیرهای زمینه‌ای مثل سن و جنسیت نیز تا حدودی در میزان مشارکت اعضا در تعاونی تأثیرگذار بودند. بدین صورت که افراد مسن تر تمایل بیشتری به مشارکت داشتند و زنان در مقایسه با مردان از نرخ مشارکت بیشتری برخوردار بودند. این امر نشان می دهد تعاونی‌ها بستر مناسبی برای مشارکت زنان در جامعه هستند و به همین دلیل مورد استقبال آنان قرار می گیرند. همچنین تعاونی‌ها باید توجه بیشتری به جلب مشارکت افراد جوان تر نمایند. بخش تعاون ظرفیت آن را دارد که با افزایش مشارکت جوانان گام مهمی در جهت ایجاد اشتغال پایدار و مستقل از بخش دولتی بر دارد.

مهم‌ترین نتیجه‌گیری تحقیق حاضر این است که مشارکت در تعاونی‌ها و به دنبال آن، موفقیت آن‌ها از عوامل اجتماعی تأثیر زیادی می‌پذیرد و شایسته است با توجه به نقش ارزشمند تعاون در اقتصاد ملی، به بررسی علمی عوامل مذکور توجه شود.

### پیشنهادها

با توجه به تعیین کنندگی عامل سرمایه اجتماعی در افزایش مشارکت در تعاونی ها پیشنهاد می شود در تشکیل و تداوم حیات تعاونی ها به ظرفیت ها و سرمایه های اجتماع محلی توجه شود. یکی از ملزومات این امر کاهش تصدی گری و مداخله دولتی و در عوض حمایت علمی، نرم افزاری و مالی از تعاونی هاست.

با عنایت به نقش باورهای مشترک تعاونی، که ریشه در اعتقاد به اصول تعاون دارد، بهتر است به افزایش آگاهی و اطلاعات مردم، اعضای تعاونی ها و مدیران از اصول تعاونی های مدرن و اهداف آن توسط آموزش های رسمی و غیر رسمی توجه شود. تعاونی ها می توانند با برگزاری جلسات و کلاس های آموزشی و به اشتراک گذاشتن اطلاعات و با بهره گیری از فناوری های نوین ارتباطی، به افزایش دانش اعضای خود کمک نمایند.

سود دریافتی از تعاونی نقش مهمی در افزایش مشارکت اعضا دارد و لذا بهتر است به تقسیم عادلانه سود در بین اعضا توجه شود.

پژوهش در زمینه تعاونی ها با مشکلات خاصی روبه روست به گونه ای که به خوبی از ظرفیت های علمی و پژوهشی نهادهای مختلف در حوزه تعاون استفاده نمی گردد و به نقش آموزش های نوین در تعاونی ها توجه چندانی نمی شود. در این زمینه، فقدان سامانه واحد و جامع برای جمع آوری، انتقال، انتشار و اشتراک اطلاعات در بین تعاونی های کشور به چشم می خورد. این ضعف موجب می شود تجارب اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی تعاونی های موفق به سختی در اختیار دیگر تعاونی ها قرارگیرد و پژوهش در زمینه تعاون دشوارتر شود. فراهم نمودن چنین بستری ضمن افزایش دانش موجود در زمینه تعاونی ها، به رونق این بخش و تقویت نقش مؤثر آن در فرایند توسعه پایدار کشور منجر می شود.

## منابع

۱. آذری، ل.، هوشمند، م. و نقوی، س.س. (۱۳۸۸). سنجش رضایتمندی از فعالیتهای شرکتیهای تعاونی مرزنشینان استان خراسان رضوی. *روستا و توسعه*، ۱۲(۲)، ۸۷-۱۱۱.
۲. ازکیا، م. و غفاری، غ. ر. (۱۳۸۴). *جامعه شناسی توسعه*. چاپ پنجم. تهران: کیهان.
۳. اطهری، ز. و علی بیگی، ا. ح. (۱۳۸۹). تحلیل ادراک کشاورزان شهرستان کرمانشاه از تعاون. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، سال چهارم، دوره ۲، شماره ۵۶۵، ۴-۵۷۶.
۴. انصاری، ح. (۱۳۸۱). *پژوهشی در تعاونی های روستایی ایران: مطالعه موردی شرکت تعاونی روستایی شباهنگ شهریار*. مؤسسه تحقیقات تعاونی. قم: ام اییها.
۵. انصاری، ح. (۱۳۸۲). *بررسی راهکارهای توسعه و ترویج مشارکت های مردمی و فرهنگ کار جمعی در جامعه از طریق تشکل های تعاونی (طرح پژوهشی ملی)*. تهران: وزارت تعاون و مؤسسه تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران.
۶. بیرچال، ج. (۱۳۷۸). *تعاونیها و اهداف توسعه هزاره*. ترجمه اصغر بیات. چاپ دوم. تهران: خوشبین.
۷. پیران، پ. (۱۳۷۷). شهر شهرون دمدار ۴: به سوی مشارکتهای اجتماعی درحیطه های رسمی، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۷(۱۳۲ و ۱۳۱)، ۹۶-۱۰۳.
۸. ترنر، ج. ا. (۱۳۸۲). *ساخت نظریه جامعه شناختی*. ترجمه دکتر عبدالعلی لهسانی زاده. چاپ دوم. شیراز: نوید شیراز.
۹. دواس، د. ای. (۱۳۸۱). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ نایی. چاپ دوم. تهران: نشرنی.
۱۰. راش، م. (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست، مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی*. ترجمه منوچهر صبوری. چاپ سوم. تهران: سمت.
۱۱. رحمانی فیروزجاه، ع. و سهرابی، س. (۱۳۹۰). *نقش تعاونی در تشکیل و تقویت سرمایه اجتماعی، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی ظرفیت های بخش تعاون در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی*. وزارت تعاون.

۱۲. ساریخانی، ن. طه، م. (۱۳۸۲). میزان مشارکت زنان در شرکتهای تعاونی روستایی و شناخت عوامل مؤثر بر آن (قسمت اول). *اقتصاد تعاون*، ۱۴۳، ۴۷-۵۴.
۱۳. سرمد، ز. (۱۳۸۸). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، چاپ چهارم. تهران: آگه.
- شارع پور، م. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. چاپ چهارم. تهران: سمت.
۱۴. شایان‌مهر، ع. ر. (۱۳۷۷). *دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی (کتاب اول)*، چاپ پنجم. تهران: کیهان.
۱۵. ضیائی، م. ص.، منوریان، ع. و کاظمی کفرانی، ا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان آمادگی برای استقرار مدیریت دانش. *مدیریت دولتی*، ۳(۸)، ۱۷۹-۱۹۸.
۱۶. فرهادی، م. (۱۳۷۳). *فرهنگ یاریگری در ایران (درآمدی بر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون در ایران. جلد اول (یاریگری در کشت‌کاری و آبیاری))*. چاپ اول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۷. کرمی، شو آگهی، ح. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌ها: مطالعه موردی تعاونی‌های تولیدی محصولات خارج از فصل در استان کرمانشاه. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۳(۲)، ۳۱-۶۰.
۱۸. کلاتری، خ.، اسدی، ع. و رحیمیان، م. (۱۳۹۰). وضعیت سرمایه اجتماعی در تعاونی‌های تولید روستایی شهرستان کوه‌دشت، *رفاه اجتماعی*، ۱۱(۴۲)، ۱۲۹-۱۵۲.
۱۹. کلباسی، ع. ا. (۱۳۶۸). *نقش تعاونی‌ها در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشکده اقتصاد و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق.
۲۰. کلمن، ج. (۱۳۷۷). *بنیان‌های نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری. چاپ اول. تهران: نشر نی.
۲۱. محمدی، ا. (۱۳۹۱). *نقش بخش تعاون در ارتقاء تولید ملی، ویژه نامه تعاونی‌های تولیدی*. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. تهران: دفتر تعاونی‌های تولیدی.
۲۲. نکویی نائینی، ع.، علی بیگی، ا. ح. و زرافشانی، ک. (۱۳۸۸). واکاوی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های روستایی شهرستان کرمانشاه. *روستا و توسعه*، ۱۲(۴)، ۱-۲۲.



۲۴. نمازی، م. ب.، حسینی، و. و سعیدی، خ. (۱۳۸۵). نقش سازمان های غیر دولتی در بازسازی بافت های تاریخی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی مدیریت بحران زلزله. دانشگاه یزد. یزد.
۲۵. نوذر پور، ع. (۱۳۸۰). یاد داشت سردبیر (سرمقاله). مدیریت شهری، ۲(۵)، ۳-۶.
۲۶. کوزر، ل. (۱۳۷۸). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. چاپ هفتم. تهران: انتشارات علمی.
۲۷. هولاب، ر. (۱۳۸۶). یورگن هابرماس (نقد در حوزه عمومی). ترجمه حسین بشیریه. چاپ چهارم. تهران: نشر نی.
28. Bhuyan, S . (2000). *Grower and manager issues in fruit and vegetable cooperatives*, Annual Meeting. Retrieved from <http://www.agecon.kus.edu/accc/ncr194>.
29. Bhuyan, S. (1998). Potential role of nonagricultural cooperatives in rural development. *Eco. Journal of Research Report*, 383, 65-74.
30. Carlo, R., Weatherspoonb, D., Petersonb, C. & Sabbatinia, M. (2000). Effects of managers power on capital structure: a study of Italian agricultural cooperatives. *International Food and Agribusiness Management Review*, 3, 27-39.
31. John, L., Adrian, J., & Green, T.W. (2001). Agricultural Cooperative managers and the business environment. *Journal of Agribusiness*, 19(1), 17-33.
32. Krause, D., Handfield, R.(2006). The Relationships between supplier development. Commitment, social capital, accumulation and performance improvement. *Journal of Operations Management*, 16(5), 405-415.
33. Lerner, D. (1964). *The passing of Traditional society*. New York. the Macmillian Com.

34. Onyeiwu, S., Jones, R. (2003). An institutionalism perception of cooperative behavior. *Journal of Socio-Economics*. 32, 233-248.
35. Sano, Y. (2008), The role of social capital in a common property resource system in coastal areas: A case study of community-based coastal resource management in Fiji. *Traditional Marine Resource Management and Knowledge Information Bulletin*, 24, 19-32. .
36. Scrimgeour, F., McDermott, A. Saunders, C. Shadbolt, N. & Sheath, G. (2006). New Zealand agribusiness Success: An approach to exploring the role of strategy, structure and conduct on firm performance, Paper presented at to *New Zealand Agricultural and Resource Economics Society*,3: 25-27.
37. Zhang, L. (2007). Social capital accumulation, business governance, and enterprise performance: A structural-equation-model approach, Thesis, (M.Phil.), Hong Kong University of Science and Technology, Appears in *Collections SOOSC Master Theses*. Retrieved from <http://WWW.hdl.handle.net>.

## Social Factors Affecting Level of Participation by Members of Production Cooperatives in Tehran Province

*H. Ansari<sup>1</sup>, M. Jourablou<sup>2\*</sup>, N. Porafkari<sup>3</sup>, A. Hashemianfar<sup>4</sup>*

Received: 02/02/2014

Accepted: 20/07/2014

### **Abstract**

This research investigated social factors affecting level of participation by members of production cooperatives in Tehran Province. The target population for the study were all members (N=1690) of production cooperatives. A multi-stage cluster sampling technique was used to determine and select sample (n=400) size. Survey methodology was used in this research to conduct the research. A self-constructed questionnaire was developed by the researchers to elicit responses. Both the validity as well as the reliability of the instrument was gained. Findings indicated that the mean participation level for all respondents was 46 on a scale from zero to hundred. Obviously, the score showed an insufficient level of participation by the members. Results of examining various variables showed that the social capital, shared beliefs of members of cooperatives, amount of dividends received from cooperatives, level of awareness from cooperative principles, degree of independence from the state union, social status and gender have significant correlation with participation of all members of production cooperatives. Furthermore, participation by females in production cooperatives appeared to be more than that of males. Also, regression analysis showed that all independent variables had a significant effect on the variance of member's participation in production cooperatives with 44% coefficient of determination.

**Keywords:** Participation, Social Capital, Cooperative, Shared Beliefs, Principles of Cooperation

---

1. Associate Professor of Sociology, College of Social Sciences, Tehran University, Tehran, Iran

2. Ph.D. Graduate in Sociology, Islamic Azad University, Dehaghan Branch, Dehaghan, Iran

\*Corresponding Author

E-mail: mjourablou@yahoo.com

3. Associate Professor of Sociology, Islamic Azad University, Shoushtar Branch, Shoushtar, Iran

4. Assistant Professor of Sociology, University of Isfahan, Isfahan, Iran